

# 11th International Conference on Language, Literature, Culture and History Studies



نمادشناسی دیو سپید بر اساس اسطوره‌شناسی کلود لوی استروس

## الهه افتخاریان

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه یزد. شماره دانشجویی: ۹۹۰۷۶۵۴

## مرتضی فلاح

دانشیار دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد- بخش زبان و ادبیات فارسی

### مقدمه

شاهنامه فردوسی مجموعه‌ای اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی است که در کمال بلاغت سروده شده و اگر به نمادهای موجود در بخش‌های آن دقت شود گذشته، حال و آینده ما به خوبی در آن نمایان است. به عبارت دیگر فردوسی می‌کوشد در این اثر ملی، ناخودآگاه جمعی ما را به ظرافت تمام به شکلی کاملاً هنرمندانه به تصویر کشد. او در کتاب سترگ خود، تمام تلاشش را به کار می‌گیرد تا خواننده، خرد را از بی‌خردی تشخیص دهد. در این وادی سراسر شگفتی که شاهنامه پیش روی ما قرار می‌دهد، روایت‌های گوناگون، بدون ملال و تکرار وجود دارد و خواننده را به شیوه‌ای شگفت‌آور مجذوب خود می‌کند. از بین بخش‌های مختلف شاهنامه، بخش اسطوره‌ای آن به علت نمادین بودن، جذابیت بیشتری دارد و عاملی بود تا نگارنده، این زمینه را برای مطالعه و بررسی خود برگزیند. از بین داستان‌های اسطوره‌ای، دیو سپید در داستان هفت‌خان رستم، جلب توجه می‌کند و سؤالاتی را از این قبیل در ذهن ایجاد می‌کند که: باوجود اینکه دیو و دیوان در همه متون نظم و نثر و حتی خود شاهنامه به موجوداتی ظلمانی و تیره معروفند، چرا فردوسی در داستان هفت‌خان، این موجود را با صفت سپیدی و روشنی معرفی کرده‌است. در حالی که می‌توانست موجود اساطیری دیگری را در جایگاه آن قرار دهد، چرا "دیو" را انتخاب کرد؟ به عبارت دیگر چرا دیو؟ و چرا سپید؟

از آنجا که دیو سپید در ماجرای هفت‌خان رستم و به عنوان خان هفتم قرار دارد و قبل از آن ماجرای لشکرکشی کی‌کاووس به آن مربوط می‌شود، بنابراین برآن شدیم که همه این ماجرا از ابتدای لشکرکشی کی‌کاووس به مازندران تا انتهای داستان؛ یعنی کشته شدن دیو سپید به دست رستم را در یک کلیت و ساختار در نظر بگیریم، تا بتوانیم دیو سپید را نمادشناسی کنیم و برای این کار، نیاز به یک نظریه اسطوره‌شناسی است. اسطوره‌شناسی در غرب بسیار بیش از ایران، مورد توجه واقع شده و در این زمینه، نظریه پردازان بسیاری به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند. کلود لوی استروس که از نظریه‌پردازان اسطوره‌شناسی فرانسوی می‌باشد، اسطوره‌ها را با دیدگاه ساختارگرایی و در لَوای کلیت دیالکتیکی مورد بررسی قرار داده‌است. از نظر او، عناصر موجود در اسطوره با یکدیگر ارتباط دارند و کشف این ارتباط در دریافت معنای اسطوره به ما کمک می‌کند. از نظر او اسطوره‌ها، ناخودآگاه جمعی ما را به ما می‌نمایند و صورت عینی و واقعی دارند. در بررسی حاضر، سعی شده‌است با استفاده از متن شاهنامه در مورد داستان هفت‌خان رستم و نظریه لوی استروس، دیو سپید به عنوان اسطوره‌ای نمادین مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

## 11th International Conference on Language, Literature, Culture and History Studies



کی کاوس پادشاهی است که به هدف جنگجویی به مازندران لشکرکشی می‌کند و پس از گذراندن حوادثی به هدف خود که فتح سرزمین مازندران است، نمی‌رسد و به همراه لشکریانش، با افسون و طلسم دیو سپید، اسیر می‌شود. این لشکرکشی گرفتاری‌هایی را برای پهلوان شاهنامه یعنی رستم ایجاد می‌کند و داستان هفت‌خان را به وجود می‌آورد. در مطالعاتی که قبلاً در این زمینه صورت گرفته، به طور عمقی به مسأله دیو سپید و نمادشناسی او، پرداخته نشده است و از داستان هفت‌خان، به عنوان هفت منزلی که رستم باید برای ورزیده شدن از آن عبور کند، یاد شده است. حال آنکه استخراج این نظر از متنی به سترگی شاهنامه و حماسه سرای عمیقی مانند فردوسی بعید می‌نماید.

### سابقه تحقیق

در اینجا به بعضی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، خواهیم پرداخت: لیلا عرفانیان و شهلا شریفی، در تحقیقی با عنوان "بررسی مضامین پنهان در ورای لایه داستان هفت‌خان رستم" (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده‌اند که هفت‌خان رستم گویای مراحل کمال است. حیدر علی دهمرده و زهرا بهمدی، در مطالعه‌ای با عنوان "تحلیل عرفانی هفت‌خان رستم"، (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده‌اند که هفت‌خان، تحلیلی عرفانی از نفس و عقل است و رستم را به درجه پیری و مرشدی می‌رساند. محمد چهارم‌حالی و دیگران، در تحقیقی با عنوان "ساختار تقابلی داستان سیاوش در شاهنامه بر اساس نظریه لوی استروس" (۱۳۹۶) تقابل را به عنوان یکی از اساسی‌ترین، مؤلفه‌های سازنده شخصیت‌ها نشان داده‌اند و تقابل‌های داستان سیاوش در شاهنامه را با نظریه لوی استروس بررسی کرده‌اند. رحمان ذبیحی و پروین پیکانی، مطالعه‌ای با عنوان "تحلیل ساختار اسطوره‌گیمرد بر اساس نظریه لوی استروس"، (۱۳۹۶) انجام داده‌اند و گیمورت را با استفاده از تحلیل ساختارگرایانه بررسی کرده‌اند و اعمال او؛ یعنی مبارزه با اهریمن را در چارچوب ساختارگرایانه، به یک توجیه منطقی، محک زده‌اند. محمود آقا خانی بیژنی و دیگران، در تحقیقی با عنوان "بررسی و تحلیل نمادشناسی نگاره‌های هفت‌خان رستم"، (۱۳۹۷) بیان کرده‌اند که در هفت‌خان رستم، هر خان، نمادی از تقابل با موجودات نهفته در ناخودآگاه بشری است که وی را در رسیدن به کمال، با دشواری روبرو می‌کند و دیو سپید را نماد مرگ، و خون او را نماد زندگی بخشی می‌داند. پروین پیکانی و دیگران، طی تحقیقی با عنوان "تحلیل ساختار داستان‌های سهراب، سیاوش و فرود، بر اساس نظریه استروس"، (۱۳۹۹) پهلوانان دورگه مثل سهراب، سیاوش و فرود را با استفاده از تقابل‌های دوگانه استروس مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اقامت قهرمانان، در سرزمین مادری که تقابل خودی/بیگانه را پدید می‌آورد مهمترین عامل در سرنوشت قهرمان داستان است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تحقیقات ذکر شده منحصرأ مسأله نمادشناسی دیو سپید، مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین معنا که دیو سپید، نماد چیست و چرا فردوسی موجود درونی هفت‌خان را به عنوان دیو، معرفی کرده و به او لقب "سپید" داده است. همین‌طور در تحلیل داستان هفت‌خان، که دیو سپید به عنوان بخش پایانی آن قرار دارد، این هفت منزل به عنوان هفت وادی سلوک عرفانی، در نظر گرفته شده است. که این تحلیل از متنی حماسی، بعید می‌نماید. در تحقیق حاضر، سعی شده است که به طور کلی به هفت‌خان رستم، از زاویه‌ای دیگر نگاه شود و دیو سپید، به عنوان موجودی اسطوره‌ای از طریق اسطوره‌شناسی لوی استروس مورد نمادشناسی قرار گیرد.